

امروز نشست سه جانبه کابل، اسلام آباد و انقره برگزار می شود



نشست سه جانبه افغانستان، پاکستان و ترکیه با محوریت بررسی اوضاع افغانستان، امروز (چهارشنبه) در انقره برگزار می شود.

رئیس جمهور کرزی برای حضور در نشست سران افغانستان، پاکستان و ترکیه در صدر یک هیات عازم انقره شد. دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری افغانستان با انتشار بیانیه یی اعلام کرد: حامد کرزی در این سفر سه روزه علاوه بر شرکت در نشست سران افغانستان، پاکستان و ترکیه با عبدالله گل رئیس جمهور و رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه به طور جداگانه دیدار و درباره روابط دوجانبه گفت و گو خواهد کرد....

ادامه صفحه ۶

نقص عمده برنامه های نامزدان ریاست جمهوری



صفحه ۶

یک مقام امریکایی:

موافقتنامه امنیتی را با کرزی امضا نمی کنیم

امریکا در حال در نظر گرفتن این مساله است که تا زمان کنار رفتن حامد کرزی از ریاست جمهوری برای نهایی سازی معاهده امنیتی دوجانبه با افغانستان و تصمیم گیری در خصوص تعداد سربازان باقی مانده در این کشور پس از سال ۲۰۱۴ صبر کند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، روزنامه وال استریت ژورنال به نقل از یک مقام بلند پایه امریکایی گزارش داد: اگر حامد کرزی، رئیس جمهوری افغانستان قصد ندارد بخشی از راه حل باشد ما مجبور خواهیم شد که راهی برای عبور از او پیدا کنیم.



وی افزود: عملاً نشان داده شده که کرزی صراحتاً معاهده امنیتی را ممکن است امضا نکند. وی دیگر صدای مردم افغانستان نیست. کاخ سفید در پاسخ به سوالی در خصوص این گزارش عنوان کرد که همچنان به اظهارنظرهای قبلی در خصوص این مساله پایبند است. امریکا تمایل دارد پس از خروج رسمی نیروهای امریکایی در پایان سال جاری میلادی از افغانستان بیش از ۱۰ هزار سرباز را به منظور مبارزه با تروریسم و آموزش نیروهای افغان همچنان در این کشور حفظ کند....

ادامه صفحه ۶

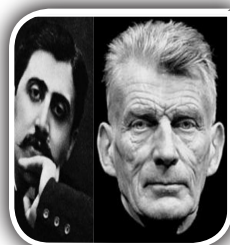
در برگ ها



ایران و
افغانستان
پساانقلاب



تبارشناسی
معنای
پول



زوبین
های
پروست



د ترکیبی در
ارخیزه ناسته
به بی پایلی وی

آگاهی فراخوان نخستین نشست مشورتی «آجندای ملی»

د ملي اجنډا کنفرانس، په افغانستان کې د ملي يووالي د دولت د رامنځته کېدو پر اړتيا د بحث او افکارو د تبادلې لپاره، په هېواد کې د ملي يووالي د دولت رامنځته کېدل او د دولت - ملت جوړونې د پياوړتيا تر عنوان لاندې، د افغانستان د چارو د کارپوهانو او د ولسمشرۍ د محترمو نوماندو په ګډون غواړي عملي - څېړنيز سيمينار جوړ کړي.

په دې سيمينار کې وړاندې کېدونکي مسایل، د ۲۰۱۴ کال د ټاکنو په پايله کې، د ملي اجنډا د طرحې له مخې د دولتي چارواکيو د ملي ژمنې رامنځته کېدل. په دې سيمينار کې ستاسو ګډون به، ياد سيمينار لا غني کړي.



به این شماره ها تماس
بگیرید

۰۷۸۶۲۰۱۲۰۱

کنفرانس آجندای ملی به منظور بحث و تبادل افکار پیرامون ضرورت ایجاد دولت وحدت ملی سمینار علمی - تحقیقی را با نام (ایجاد دولت وحدت ملی و روند تقویت دولت - ملت سازی در کشور) با اشتراک صاحب نظران امور سیاسی و نماینده گان کاندیدا های محترم ریاست جمهوری، برگزار می نماید.

داده های این سمینار در چارچوب آجندای ملی، تسهیل کننده تعهد ملی دولت مردان افغانستان در فرایند انتخابات ۲۰۱۴ خواهد بود. حضور شما در این سمینار، بر غنای آن می افزاید.

ایران و افغانستان پسا انقلاب



و فریاد بلند کردن علیه استبداد بوده است. و این حقیقت هم در تاریخ این سرزمین بدون شک غیر قابل انکار است که همواره مردم ما خواستار حکومتی بوده‌اند که ارزش‌های دینی را مد نظر داشته و بر اصول اسلامی بنیان گذاشته شده باشد. امروز ما نیز افتخار داشتن نظامی جمهوری و اسلامی را داریم، اما این‌که چه تفاوت‌های بنیادینی میان دست‌کم سه جمهوری اسلامی‌یی وجود دارد که در همسایه‌گی یکدیگر به سر می‌برند، یعنی پاکستان، ایران و افغانستان، خود گواه این است که سه رویکرد و نگاه متفاوت به این نوع نظام و مکانیسم اداره و سیاست کشورها وجود دارد. اما قدر مسلم این می‌تواند باشد که افغانستان به عنوان کشوری که سال‌ها در بحران به سر برده و امروز برای دوباره‌سازی تمام زیرساخت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌اش نیازمند الگوبرداری و سود بردن از دستاوردهای دیگران است، می‌تواند با مطالعه دقیق آن‌چه در ایران بعد از انقلاب اسلامی به وقوع پیوست، راهکارهای سنجیده‌تر و موفق‌تری را برای محکم کردن بنیان‌های نظام جمهوری اسلامی خود داشته باشد.

آن‌چه بعد از انقلاب افغانستان علیه استبداد و استعمار صورت گرفت نیز باید یک بار دیگر آسیب‌شناسی شود و باید دید که چرا در ایران پسا انقلاب، ما شاهد توسعه و ترقی و شکل گرفتن حکومتی از نوع اسلامی و قوی بوده‌ایم و افغانستان نتوانسته است تا هنوز از چنگ بحران‌ها و چالش‌های زنجیره‌یی بیرون رود. شاید تئوری دخالت‌های خارجی‌ها و همسایه‌گان بتواند مرهمی نسبی و کوتاه‌مدت برای زخم کهنه ما باشد، اما حقیقت این است که نخبه‌گان سیاسی و تمام شهروندان افغانستان، امروز نیازمند این هستند که باور کنند انقلاب کردن، قیام کردن و حتا شهید و مجروح دادن، اولین گام به سمت آزاده زیستن است و بعد از پیروزی است که مدیریت و رهبری توانمند، اتحاد و همدلی لازم است تا کشور ساخته شود و امنیت و صلح، پایدار گردد.

مصر انقلابی را تجربه کرد و دیکتاتوری را بر زمین زد، اما می‌بینیم که امروز هم‌چنان در آتش جدال‌های داخلی و مشکلات و بحران‌ها می‌سوزد. همانند مصر و افغانستان، ده‌ها کشور دیگر را می‌توان نام برد. امروز ما به عنوان وارثان خون شهدایی که در دیار ما قربانی شدند تا ارزش‌های اسلامی و انسانی نهادینه گردد، تصمیم باید بگیریم که تجدید نظری جدی بر روی سیاست‌گذاری‌ها و عمل‌کردهای ملی و بین‌المللی مان داشته باشیم تا نظامی قدرتمند و مستقل را پایه‌ریزی کنیم.

شده است؛ تا جایی که کوشش شده که هر نوع دوستی و پیوند میان دو ملت ایران و افغانستان را با طرح‌ها و برنامه‌های از پیش تعیین‌شده، مورد سوال و شک قرار داده و افکار عمومی را نسبت به هم بدبین کنند، اما چرا؟

ایران تا قبل از سی‌و‌اندی سال قبل، کشوری با این حساسیت و این حساسیت‌زایی نبود، بدون شک خاندان پهلوی و نظام شاهنشاهی که در ایران مستقر بودند، هرگز برای غرب و یا کسانی که در خاورمیانه اهداف بلندمدتی را دنبال می‌کردند، نه تنها دشمن به شمار نمی‌رفت، بلکه یک شریک و دوست کارآمد به حساب می‌آمد؛ اما از روزی که انقلاب اسلامی در ایران به وقوع پیوست و نظام این کشور به جمهوری اسلامی بدل شد، روز به روز شاهد بودیم که سیاست‌گذاری‌های قدرت‌های بزرگ، چرخشی صدوشتاد درجه‌یی را به خود گرفتند. ایران به یک هدف استراتژیک مبدل شد. صد البته وقوع انقلاب اسلامی به عنوان یک حادثه تاریخی در یک کشور که توانست یک نظام شاهنشاهی را سرنگون کرده و حکومتی اسلامی را پایه‌ریزی کند، جزو موارد نادر مطالعات تاریخی و جامعه‌شناختی و حتا سیاسی می‌توانست باشد؛ اما نه تا آن حدی که دنیا بخواهد به آن واکنشی در این حد نشان دهد.

آن‌چه ایران را به یک هدف برای دنیای غرب یا حتا شرقی تبدیل کرد که اسلام سیاسی را نمی‌پذیرفتند، اراده حاکمان و سیاست‌مداران ایرانی نظیر بنیان‌گذار این انقلاب اسلامی بود که خواستار صادر کردن این انقلاب و گسترش این تفکر به دیگر نقاط جهان اسلام بودند. این شعار که رسالت ما رسالت جهانی است، از سوی تمام کسانی که اسلامی قدرتمند را گزینه نمی‌دانند، خطرناک‌ترین ایده‌یی است که بتوان برای یک حکومت و نظام اسلامی نوپا تصور کرد. نظامی شاهنشاهی، دیکتاتوری و فردمحور، به‌دست ملت سقوط کند، بعد یک عالم دینی بیاید، بدون سپاه و لشکر و توپ و تفنگ، ملتی را بسیج کند، انقلابی به‌راه بیاورد و بعد حکومت تشکیل دهد و بگوید من «دولت تعیین می‌کنم...» سرآغاز جنجالی بزرگ برای تمام کسانی بود که اسلام سیاسی، حکومتی از نوع اسلامی و جامعه‌یی با حاکمیت دین را هرگز در دستورالعمل خود نداشتند و آن را تحمل کرده نمی‌توانستند.

بدون شک انقلاب اسلامی ایران در کشورهای منطقه و حتا جهان تأثیرات خود را داشته است. دور نرویم و با بررسی رویدادهایی که در افغانستان رخ داد، می‌توانیم به‌خوبی دریابیم که دفاع مقدس مردم شجاع و غیور افغانستان از مرزها و خاک‌شان، و زمین‌گیر کردن ارتش سرخ، خود به‌نوعی قد علم کردن

تحولات منطقه بدون شک به یک‌دیگر وابسته‌اند و اگر در یکی از کشورهای این مجموعه حادثه‌یی رخ دهد، دیگر کشورها از تأثیرات ناشی از آن مصون نخواهند بود. جمهوری اسلامی ایران هم یکی از اعضای فعال و تأثیرگذار کشورهای منطقه است، به طوری که نمی‌توان نقش و تأثیر آن را در تحولات خاورمیانه نادیده گرفت. افغانستان از آن‌جا که مرز مشترک و هم‌چنین زبان، دین و ریشه‌های فرهنگی بی‌شمار مشترک با ایران دارد، همواره در سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی خود با این کشور، نوعی تعامل حداقلی و حداکثری را تجربه کرده است. اما مهم‌تر از همه این‌که باید این حقیقت را پذیرفت که دنیای امروز دنیایی نیست که بتوان در آن از تعاملی سودمند و سازنده به نفع منافع ملی کشور با جامعه بین‌المللی چشم پوشید. همسایه‌گان به طریق اولی، باید در مناسبات و معادلات هر سیاست‌مدار صاحب‌خردی، جایگاهی ارزشمند و در خور توجه داشته باشند. افغانستان با کشورهای قدرت‌مندی چون هند، پاکستان، ایران و چین، دارای مرز مشترک است. تاریخ سیاسی و اقتصادی هر کدام از این کشورها نشان می‌دهد که هر یک از این آن‌ها به‌نوعی در سطح بین‌الملل حرفی برای گفتن دارند و به اثبات رسانده‌اند که باید جدی گرفته شوند. اما افغانستان در میان کشورهایی از این دست که هر کدام توانسته‌اند در بخش‌های نظامی، اقتصادی، تسلیحاتی و سیاسی و حتا فرهنگی رشدی چشم‌گیری داشته و در دنیا به عنوان الگوهای کارآمد و برتر مطرح شوند، بیشتر دست‌خوش جنگ‌افروزی‌ها و بی‌ثباتی‌ها بوده است.

پاکستان همسایه‌یی است که امروز بیشترین تشنج از آن‌جا برمی‌خیزد و بحران دامن‌گیر افغانستان را عالم‌گیر ساخته است، و تروریسم و ترور و دهشت‌افکنی، نقطه مشترک و وصل این دو کشور شده است. این‌که تا چه حد این دو کشور اسلامی و همسایه می‌توانستند با یک‌دیگر تعامل سازنده و مثبت داشته باشند، امروز کمتر مورد سوال و بحث است و بیشتر روی صدمات و لطماتی که از سوی بخش‌های ناآرام پاکستان و استخبارات آن متوجه افغانستان می‌شود، تمرکز می‌گردد. در حالی که مردم ما هنوز هم قدردان مهمان‌نوازی‌های سال‌های طولانی مهاجرت از سوی مردم شریف پاکستان هستند و به دنبال نقاط مشترک و تفاهم‌ساز بیشتر میان دو ملت می‌گردند. اما بحث ایران و تعامل با آن، با فراز و نشیب‌های بیشتر و سخت‌تری مواجه بوده است. تا جایی که گاهی تعامل با ایران سخت‌تر و نفس‌گیرتر از داشتن ارتباط و تعامل با هر کشور دوست یا دشمن دیگر

سخن‌ماندگار

حکمتیار؛

سری در انتخابات و دمی در انفجارات

انفجار یک موتر حامل مواد منفجره و کشته شدن دو پیمانکار غیرنظامی و هم‌چنان زخمی شدن هفت کودک و زن، یکی از تازه‌ترین رخدادهای مرگباری است که در سال ۲۰۱۴ به وقوع می‌پیوندد. مسوولیت این حمله را حزب اسلامی مربوط به حکمتیار به عهده گرفته است و قرار گزارش رسانه‌ها، هدف این حمله، کاروان نیروهای آیساف بوده که سوگ‌مندانه تنها غیرنظامیان در آن کشته شده‌اند.

حملات نظامی حزب حکمتیار تازه‌گی ندارد. در چند سالی که او مخالفت علنی‌اش را علیه نظام کنونی افغانستان آغاز کرده، هر از گاهی حملاتی از این دست داشته است. اما نقطه کمیدی مسأله آن‌جاست که جناب حکمتیار چند روز قبل و در آستانه شروع کارزارهای انتخاباتی، از هوادارانش خواست تا در انتخابات شرکت کنند و به شخص مورد حمایت حزب او رای بدهند. هر چند به صورت مشخص، نامزد مورد نظر حکمتیار روشن نیست اما از آن‌جا که یکی از اعضای سابق حزب او در این انتخابات نامزد است، همه گمان می‌برند که آقای قطب‌الدین هلال، شاید نامزد مورد نظر حکمتیار باشد. در هر حال، حزب اسلامی حکمتیار مثل خودش، یک شبکه بسیار درهم پیچیده و مبهم است. بسیاری از اعضای این حزب در ۱۲ سال گذشته در دولت افغانستان پست‌های کلیدی داشته‌اند و در تصمیم‌گیری‌های آقای کرزی سهم بوده‌اند، منتها در پوشش این‌که تنها در گذشته وابسته حزب اسلامی بوده‌اند. حال آن‌که اکثر کارکردهای مربوط به اعضای این حزب در حکومت، هیچ تفاوتی با خواسته‌های کنونی آقای حکمتیار نداشته است. از این‌رو، خیلی نمی‌توان مطمئن بود که اعضای موجود این حزب در ساختار حکومت و نیز در انتخابات، از آقای حکمتیار بریده باشند.

از طرف دیگر، فعالیت‌های مسلحانه جناب حکمتیار و کشتار غیرنظامیان، نشان می‌دهد که او مثل طالبان، به نیابت از کشورهای همسایه در افغانستان می‌جنگد. این رویکرد نشان می‌دهد که آقای حکمتیار و حزبش از یکسو در مخالفت با دولت ایستاده‌اند و از سوی دیگر موازی با نظام کار می‌کنند. اکنون پرسش این است که حزب اسلامی و شخص حکمتیار از چنین رویکردی چه می‌خواهند؟

حکمتیار سال‌های سال است که با حکومت‌های افغانستان، مشکل جدی و ایدیولوژیک دارد؛ جوانی‌اش را در جنگ‌های داخلی در برابر گروه‌های مجاهدین صرف کرده تا جنگ در برابر شوروی‌ها و حکومت حزب خلق و پرچم، و ایام میان‌سال‌اش را در جنگ با دولت اسلامی مجاهدین صرف کرده و اکنون نیز که یک شخص کهن‌سال است، با نظام فعلی سر ستیز دارد. اوصاف چنین شخصی می‌نمایند که او به‌شدت تشنه قدرت است و غیر از قدرت، چیزی نمی‌خواهد. بنابراین، محتمل است که اتخاذ چنین رویکردی به گمان آقای حکمتیار، او را به قدرت نزدیک می‌کند؛ به ویژه زمانی که موعد رقابت‌های انتخاباتی است و نگرانی‌های عدم برگزاری آن، پابرجا. جدای از این، جناب حکمتیار چندی قبل، باب مذاکره را نیز با دولت افغانستان باز کرد که تا هنوز ادامه دارد. آقای حکمتیار گمان می‌کند که با وارد شدن از چند دروازه می‌تواند به آرزویی که سال‌های سال به دنبال آن بوده، برسد؛ از یکسو به کمک افراد خودش در حکومت، زمینه بازگشت خود را مساعد کرده، از طرف دیگر با توسل به انتخابات می‌خواهد قدرت را به دست بیاورد، و از سوی دیگر، با ادامه مذاکرات صلح و چانه‌زنی‌های قدرت‌طلبانه و از طرف دیگر با کشتار غیرنظامیان و مانورهای نظامی.

این رویکرد به گمان آقای حکمتیار، کارساز است و او را به بهشت گمشده‌اش که همانان قدرت است رهنمون می‌گردد. اما به‌یقین آقای حکمتیار با این طرز کار تنها می‌تواند خود را فریب دهد و بس! از این انتظار ما این است که این جریان‌ها باید بعد از این خود را در خدمت وطن قرار بدهند و از قرار گرفتن در خدمت بیگانه‌گان بپرهیزند. برای آقای حکمتیار خوب است که از روند انتخابات حمایت کند و اگر نامزد مورد نظرش به پیروزی رسید به مرادش میرسد. در غیر این صورت باید بداند که از این همه کشتار مردم چیزی به دستش نمی‌آید.

گری کاسپاروف - مجله امریکایی نیوزویک

«عشق بازی دیکتاتورها با بازی‌های المپیک»

بی‌وقته ادامه داشته است.

کمیته بین‌المللی المپیک نیز در تمامی این مسائل یک شریک مشتاق نشان داده است و تاریخچه‌ای طولانی و تاریک دارد. به طور مثال پس از برلین قرار شد که بازی‌های بعدی در توکیو و رم برگزار شود. اعتراضات تصنیعی توماس باخ، رئیس جدید کمیته بین‌المللی المپیک درباره اینکه چطور اعتراضات رهبران خارجی به سوچی، سیاست را به داخل ورزش می‌کشاند، اصولاً این حقیقت را انکار می‌کند که فروش برنامه‌های عظیم برای تبلیغات و فساد به یک دیکتاتوری نیز «سیاست بازی» است. با منطق غیرقابل اعتماد باخ، احتمالاً کمیته بین‌المللی المپیک این بازی‌ها را مادامی که مکانی مناسب باشد و حق‌الزحمه فوراً پرداخت شود، به کره شمالی نیز پیشکش خواهد کرد!

خبر خوب این است که دولت‌ها و رسانه‌های جهان آزاد این بار به عنوان همراه، این مساله را به طور کامل تایید نمی‌کنند. تعداد کمی از رهبران جهان که به صورت دموکراتیک انتخاب شده‌اند، به نمایش پوتین افتخار خواهند کرد. خبرنگاران که بر رسانه‌های اجتماعی تاثیر مستقیم دارند، تاکنون پوشش وسیعی از سرکوب و ناکامی‌های کوچک و بزرگ کشور مافیایی روسیه تهیه کرده‌اند. به سخره گرفتن توالی‌های شکسته و تابلوهایی که با دیکته نادرست در سوچی نوشته شده‌اند، کار آسانی است اما

از اصل داستان نمی‌توان اجتناب کرد. در اینجا می‌توان تحقیق و جستجوی جذابی داشت در عالم سیاست، اقتصاد و تجارت که چگونه یک حکومت با منابع بی پایان مالی و قدرت حد اکثری توانسته طی هفت سال چند هتل با آب گرم و سیستم وای‌فای را فراهم کند. درست هم‌زمان با اینکه موسسات دولتی و جامعه مدنی در یک حکومت خودکامه به سوی زوال و از کار افتادگی می‌روند، صنعت بدون رقابت بازار نیز تحلیل خواهد رفت. تنها رقابت در روسیه پوتین بر سر ذائقه‌های سیاسی است. اگر افراد رسمی درست را نشناسید، انجام کار خوب با درآمد مناسب بی‌معنا است و اگر به افراد درست وفادار باشید، موفقیت مالی شما تضمین شده است. تلاش تراژیک-کمیک پوتین برای ایجاد مرکزی مانند «سلیکون ولی» به نام «مرکز نوآوری اسکولکوو» در نزدیکی مسکو، نمونه‌ای مثالی از این تاثیرات است. حتی یک مستبد نیز نمی‌تواند همیشه با پارتی بازی به عنوان یک سبک تجاری نتیجه بگیرد.

پس از دو هفته، تمامی خبرنگاران با داستان‌های خنده‌دار خود به خانه خواهند رفت، تمامی آرم‌های «رنجین کمان» کنده خواهند شد و روس‌ها می‌مانند و فاجعه زیست محیطی، فساد و سرکوب، بدهی و کلاهبرداری و جانی‌هایی که مسبب این رویدادها هستند. آینده روشنی برای سوچی تصور نمی‌شود مگر آنکه شما جزو آن دسته از افرادی باشید که می‌خواهید دیگران نیز مثل شما بدبخت باشند. جام جهانی ۲۰۱۸ میلادی نیز در روسیه برگزار خواهد شد و در حال حاضر گزارش‌ها حاکی از آن است که چقدر این کشور از برنامه عقب است. من هم یک ورزشکارم و هم یکی از طرفداران ورزش و هیچ چیزی جز آرزوهای خوب برای ورزشکاران حاضر در المپیک سوچی نمی‌خواهم. روسیه یک کشور سربلند و زیبا است که چیزهای بسیاری برای ارائه به بازدیدکنندگان و جهان دارد. امیدوارم که جهان اجازه ندهد تا صدای مخالفان، فعالان و اقلیت‌های ستم دیده روسیه تحت‌الشعاع تحسین‌ها و تشویق‌ها قرار گیرد.

تابستانه ۱۹۸۰ مسکو و ۲۰۰۸ پکن تفاوت وجود دارد. در آن رویدادها، ماشین تبلیغات سیاسی اقتدارگرا در خدمت ارتقای دستاوردهای یک کشور یا یک سیستم بود. آنها وقف شهرت و بزرگی بیشتر کمونیسم، حکومت تمامیت‌خواه، اعتلای سیستم و ورزشکاران آن بودند. هیچ‌کس به یاد نمی‌آورد که چه کسی مسئولیت بازی‌های ۲۰۰۸ پکن را بر عهده داشته و تنها ممکن است اندکی برزفند که مسکو را به یاد آورند. در همین حال رئیس کمیته المپیک روسیه و مدیر بازی‌های سوچی نیز در برنامه‌های تلویزیونی یا جای دیگری ظاهر نمی‌شوند. نه، این نمایش مضحک صریحاً درباره جاه‌طلبی‌ها و تکبر یک مرد همیشه حاضر است که رویکردش تنها با بازی‌های تابستانی سال ۱۹۳۶ برلین تطابق دارد.



البته بدی نازی‌ها غیرقابل مقایسه است. البته هیچ‌کس نمی‌تواند رقیب هیتلر خون‌خوار و جانی در دهه ۱۹۴۰ میلادی باشد. البته هیچ‌کس توقع یک جنگ جهانی جدید یا تلاشی برای تقلید یک هولوکاست دیگر را ندارد. اما در کل چشم‌پوشی از درس‌های ظهور سیاسی هیتلر و اینکه چگونه او قدرت را به دست گرفت و چگونه در خارج از کشور نادیده گرفته شد یا باعث تحریک آنها شد، احمقانه و خطرناک خواهد بود. در سال ۱۹۳۶ میلادی حتی هیتلر هم هنوز آن هیتلری که می‌شناسیم، نبود. بله، بسیاری در داخل و خارج از آلمان به او با دیده شک و تردید می‌نگریستند اما او با شادی و خوشحالی در استادیوم المپیک برلین ایستاد و از سوی رهبران جهان مورد تمجید و تکریم قرار گرفت و شاهد سلام نظامی قهرمانان جهان بود. شکی وجود ندارد که این پیروزی در صحنه جهان به نازی‌ها جرات داد و جاه‌طلبی‌های آنها را تقویت کرد.

عمداً یا سهواً حکومت پوتین کاملاً از راهکار بازی‌های ۱۹۳۶ برلین برای المپیک سوچی پیروی کرده است. روسیه نیز در واکنش به اعتراضات بین‌المللی نسبت به قوانین متحجرش، امتیازاتی را قائل شد. تعداد اندکی از زندانیان سیاسی درست پیش از رسیدن خبرنگاران به روسیه، آزاد شدند. حتی حال و هوا و آهنگ تبلیغات نیز درست همانطور که ویکتور شندرویچ، نویسنده و روزنامه‌نگار روسی به طور عالی توضیح داده، همانند تبلیغات بازی‌های ۱۹۳۶ برلین است. او به یکی از بیانیه‌های ولادیمیر یاکوین، سیاستمدار وفادار به پوتین اشاره دارد که در آن رسانه‌های غربی را به حالت هیستریک و اقدامات خصمانه ضد روسی متهم کرده و این منتقدان خارجی را به تلاش برای ایجاد اختلال و برهم زدن المپیک زمستانی سوچی محکوم می‌کند. شندرویچ سپس افشا کرده که نصف بیانیه‌هایی که کارل ریتروون هالت، سازمان‌دهنده بازی‌های المپیک برلین در سال ۱۹۳۶ استفاده کرد، کپی شده و تنها کلمه «روسیه» به جای «آلمان» گذاشته شده است. و این جایگزینی‌ها

«همانند هیتلر در بازی‌های ۱۹۳۶، برنامه پوتین برای برگزاری المپیک در سوچی نیز چیزی نیست جز ارضای جاه‌طلبی‌های شخصی او و هیچ ربطی به تلاش برای ساخت روسیه‌ای بهتر ندارد.»

بازی‌های المپیک زمستانی سوچی رسماً گشایش یافت، هفت سال طولانی پس از پیروزی در کسب میزبانی که به شدت و شخصاً از سوی ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه حمایت شد. بیشتر روس‌ها با وجود علاقه ذاتی که به ورزش‌های زمستانی دارند، نسبت به تحقق چنین امری شک و تردید داشتند. چگونه است که کشوری که هیچ زیرساخت ورزشی برای کودکانش ندارد، ۱۲ میلیارد دلار برای میزبانی ورزشکاران خارجی خرج می‌کند؟ به نوشته یک روزنامه هلندی، بودجه رسمی برگزاری این مسابقات تاکنون بیش از ۵۰ میلیارد دلار آمریکا شده، یعنی بیشتر از تک تک بازی‌های زمستانی برگزار شده در تاریخ. و جای تعجب نخواهد بود اگر ۲۵ درصد این میلیاردها دلاری که باید به سوی سوچی برود از حساب‌های بانکی روسیه در سویس و بازار مستغلات لندن سر درآورد!

هم‌زمان با ورود گزارشگران خارجی به هتل‌های ناتمام و ویران سوچی با آب‌های غیر شرب و سگ‌های ولگرد در اتاق‌ها، رسانه‌های اجتماعی در حال حاضر سوچی را به مایه تمسخر بین‌المللی تبدیل کرده‌اند. تنها می‌توان دعا کرد که وضعیت برای ورزشکاران و هوادارانشان بهتر باشد و امنیت آنها حرفه‌ای‌تر تامین شود. میزبانی المپیک در مکانی که تنها نیم روز با مقر تروریست‌ها فاصله دارد از ابتدا کاری عبث بود و حالا نمایش نیمه تمام سازمان‌دهندگان این رقابت‌ها نیز مزید بر علت شده است.

این فضاخت در سوچی امری غیر معمول یا اتفاقی نیست. فساد، اصلی‌ترین و برجسته‌ترین اصل حکومت ۱۴ ساله پوتین است و غارت ثروت روسیه و مردمش تنها هدف مورد نظر است.

مخرج مشترک تمامی اقدامات مضحکی که برای تفسیر استراتژی ژئوپولیتیکی و ایدئولوژی شخصی پوتین مطرح است، این است که گردش پول وی تضمین شود تا پوتین و دارودسته‌اش در راس قدرت باقی بمانند. پوتین هم‌چنین می‌خواست تا المپیک سوچی دوران پتر کبیر را برای وی زنده کند و تفرجگاه محبوب تابستانی شوروی سابق به یک جواهر بین‌المللی تبدیل شود؛ همانظوری که سن پترزبورگ به عنوان پایتخت پادشاهی بنا شد. حتی می‌توان گفت همانند اقدامات پتر کبیر، تغییرات پوتین در سوچی نیز بر نیروی کار رعیتی استوار بود. رهبران خارجی در مراسم افتتاحیه با همه‌هم و شادی در کنار پوتین قرار می‌گرفتند و عکس‌ها بود که با دارندگان مدال در روسیه گرفته می‌شد و دیدن جذابیت در این میان کار سختی نبود. پوتین همچنین امیدوار بود تا با نمایش احساس غرور وطن پرستانه را برانگیزد. در اینجا نوعی توهم به وجود می‌آید و فرمانروای مستبدی که سالها بر سر قدرت بوده است خودش را با یک کشور برابر می‌گیرد. به دلیل نبود مکانیسم‌های بازخوردی رسانه‌های آزاد و انتخابات واقعی، پوتین به این باور رسیده که شهرت و بزرگی‌اش در حقیقت شهرت و بزرگی روسیه است و آنچه که او را خوشحال می‌کند شادی مردم کشورش نیز هست!

عمداً یا سهواً حکومت پوتین کاملاً از راهکار بازی‌های سال ۱۹۳۶ برلین برای المپیک سوچی پیروی کرده است. در اینجا میان المپیک زمستانی ۲۰۱۴ سوچی با بازی‌های

غرب تروریسم را توجیه نکند



وزیر خارجه روسیه اظهار امیدواری کرد که مذاکرات ژنو ۲ در پایان دادن به اقدامات تروریستی در سوریه و حل و فصل مسایل انسانی در این کشور نقشی به سزا داشته باشد.

به گزارش شبکه خبری روسیه الیوم، سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه پس از دیدار با «رمطان لعماره» همتای الجزایری خود در مسکو در کنفرانس خبری مشترک با وی اظهار کرد: باید جامعه سوری در ژنو در چارچوب مذاکرات نماینده داشته باشد تا بدین ترتیب بحران سوریه حل و فصل شود اما به نظر می‌رسد که تحقق این امر بعید است.

سرگئی لاوروف تاکید کرد: ما نمی‌خواهیم بحران انسانی در سوریه رنگ و بوی سیاسی به خود بگیرد تا از طریق آن سناریوی قدرت علیه سوریه اجرا شود.

وزیر خارجه روسیه تصریح کرد: شورای امنیت باید در قبال گسترش تروریسم در سوریه بیدار شود.

وی در ادامه افزود: شورای امنیت متأسفانه تمام اقدامات تروریستی در سوریه را محکوم نمی‌کند. مسوولان غربی تاکید دارند که تروریسم جنایتی غیر قابل توجیه است، اما در عین حال اصرار دارند که آن‌ها در سایه قدرت بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه نمی‌توانند کاری انجام دهند و این موضع تنها برای توجیه تروریسم است.

وزیر خارجه روسیه خاطر نشان کرد: امریکایی‌ها در آغاز تمایلی برای اجرای معاهده ژنو ۱ نشان ندادند چرا که در آن زمان نظام سوریه از لحاظ میدانی در حال پس‌روی بود.

وی تاکید کرد: دولت سوریه اعلام کرده است که بررسی تمام بندهای ژنو ۱ را می‌پذیرد و هر آنچه که برخلاف این ترویج داده شود درست نیست.

سرگئی لاوروف با بیان اینکه تروریسم در سوریه دنباله بازی‌هایی است که در عراق شاهد بودیم عنوان داشت: اختلافات بسیاری میان الجزایر و روسیه در خصوص مساله سوریه وجود ندارد؛ ما نقاط مشترکی در خصوص مساله صلح در خاورمیانه براساس قوانین بین‌المللی داریم و با یکدیگر در خصوص اصل عدم مداخله خارجی در سوریه توافق نظر داریم.

وزیر خارجه روسیه عنوان داشت: پیش نویس قطعنامه غربی که در خصوص مسائل انسانی در شورای امنیت مطرح شده است قابل قبول نیست. چرا که این پیش نویس یکجانبه است و براساس آن تنها نظام سوریه مسئول اوضاع انسانی در این کشور به شمار می‌آید و واقعیت نادیده گرفته شده و نظام سوریه تهدید به مجازات می‌شود و این امر با اوضاع کنونی و معاهده ژنو مغایرت دارد.

سرگئی لاوروف بر این مساله تاکید کرد که باید محاصره غیرنظامیان در دو روستای «الحسکه» و «الزهر» توسط افراد مسلح پایان یابد.

دستور فرمانده ارشد امریکایی برای از بین بردن تصاویر جسد بن لادن

آزادی اطلاعات علیه وزارت دفاع و سیا ارایه و در آن اعلام کرده که این دو نهاد دولتی باعث لاپوشانی، از میان بردن یا

نقض داده‌ها و اسناد دولتی شده‌اند. تام فیتون، رییس گروه دیدبان قضایی گفت: مک راون، در ایمیل خود از افسران مطلع خواسته که سریعاً این تصاویر را از بین ببرند؛ اقدامی که در اصل نقض اجرای قانون و حق مردم امریکا در دانستن رویدادها و رخ داده‌ها محسوب می‌شود. دولت باراک اوباما، رییس جمهوری امریکا تلاش کرده تا این رسوایی را ببوشاند. ما خواستار تحقیقات بعدی برای این مساله هستیم.

اسامه بن لادن، رهبر سابق القاعده را باید نابود کرده یا به سازمان سیا تحویل دهند. بن لادن در دوم مه ۲۰۱۱ در مخفیگاه خود در ابیت آباد پاکستان و توسط تیم عملیات ویژه امریکا کشته شد. این درباردار ارتش امریکا در ایمیل خود در همان سال خطاب به افسران ارتش گفته بود: یک امر مهم که من می‌خواهم بر آن تاکید کنم این است که تصاویر برجای مانده از اسامه بن لادن، یا باید نابود شود یا به سیا تحویل داده شود. اگر شما هنوز آن‌ها را دارید، بلافاصله نابودشان کنید. گروه دیده بان قضایی در نهایت شکایتی را از جانب قانون



۱۱ روز پس از حمله نیروهای امریکایی به محل اختفای اسامه بن لادن، رهبر سابق القاعده در سال ۲۰۱۱ و کشته شدن وی، فرمانده

این نیروها دستور داد تا تمامی تصاویر برجای مانده از جسد این بن لادن از بین برود یا به سازمان اطلاعات امریکا (سیا) ارایه شود.

به گزارش شبکه خبری راشاتودی، این افشاگری توسط گروه دیده‌بان قضایی که یک گروه حقوقی است و بنا به درخواست قانون آزادی اطلاعات صورت گرفت. در ایمیلی که دریادار ویلیام مک راون، فرمانده ارشد عملیات ویژه امریکا ارسال کرده، آمده است که وی در ۱۳ می ۲۰۱۱ به تمامی افسران هماهنگ کننده دستور داده تا تصاویر باقی مانده از جسد

بخش دوم

صداقت‌های خطرناک

خیلی‌ها فکر می‌کنند که درست از لحظه‌ی که خطبه نکاح جاری شد، دیگر تمام مرزها از بین می‌رود و زن و شوهر باید بدون هیچ حرف ناگفته‌ی، زنده‌گی عاشقانه‌شان را شروع کنند! زیرا در دایره لغت این افراد، رازداری بعد از ازدواج جایی ندارد و معتقدند که زن و شوهر هیچ چیز را نباید از هم مخفی نگه دارند. این صداقت خالصانه، خیلی ستودنی است اما وقتی رنگ و بوی افراط و صداقت محض به خود می‌گیرد، کم‌کم شبیه یک ساده‌لوحی پُردردسر می‌شود که ممکن است مشکلات زیادی برای تان به وجود آورد.

– آزرده‌گی‌های مربوط به خانواده همسر که شما بدون هیچ ملاحظه‌ی با همسر تان آن را در میان می‌گذارید، مصداق بارز همین رازگویی‌هایی‌ست که فایده چندانی ندارند.

فرض کنید که شما به دلایلی از مادرشوهرتان رفتار ناخوشایندی دیده‌اید و هنوز از او آزرده هستید. اما همان زمان همسر تان شروع به تعریف و تمجید از مادرش می‌کند که چه قدر زن فهمیده، درست‌کار و محترمی است. در این شرایط اصلاً لازم نیست مقابل همسر تان جبهه بگیرید و شروع کنید به نقض کردن گفته‌های او و حتا بدتر از آن، پرونده تمام حرف‌هایی را که مادرشوهرتان به شما زده و شما را آزرده، باز کنید. بگذارید این مسایل بین شما و مادرشوهرتان به شکلی منطقی و باگذشت حل شود و روی روابط شما با همسر تان سایه نیندازد.

– بدتر از آن وقتی است که شما از خانواده نامزدتان رنجور هستید و اتفاقاً ماجرای پیش می‌آید که نامزدتان هم از یکی از اعضای خانواده‌اش دل‌خور می‌شود و این دل‌خوری را با شما در میان می‌گذارد. بعد از آن شما شروع به برشمردن تمام بدی‌های آن فرد می‌کنید و باز داستان دل‌خوری‌های تان را از او سر می‌دهید و حتا کاسه داغ‌تر از آش می‌شوید و از خود همسر تان هم بیشتر بد طرف مقابل را می‌گویید!

یادتان باشد که همسر شما هر قدر هم که در آن لحظه عصبانی باشد، دوست ندارد از زبان نفر سومی مثل شما خطاهای خانواده‌اش را بشنود. این لحظات در ذهن همسر شما ثبت می‌شود و اگر زمینه تلافی کردن او را فراهم نکند، قطعاً او را نسبت به شما دل‌چرکین می‌سازد و باعث می‌شود دفعات بعدی درد دل‌هایش را با شما در میان نگذارد.

– برعکس این هم اشتباه است. لازم نیست در این شرایط دایه مهربان‌تر از مادر شوید و شروع کنید به خوب‌گویی افراطی از کسی که همسر تان را ناراحت کرده! شما فقط شنونده باشید و سعی کنید همسر تان را آرام کنید. بعد از آن هم، وقتی عصبانیت همسر تان فروکش کرد، هرگز این مشکل و دل‌خوری را به یاد او نیاورید و از آن به عنوان ابزاری برای مظلوم‌نمایی خودتان استفاده نکنید.

– اگر در خانواده شما یا همسر تان، کسی پشت سر همسر شما بدگویی کرد، لازم نیست عین همین حرف‌ها را کف دست همسر تان بگذارید. در غیر این صورت، آتشی در می‌گیرد که خودتان در آن خواهید سوخت.

اگر موضوع خیلی اهمیت داشت و پای اشتباهات همسر تان در میان بود، سعی کنید به نرم‌ترین حالت ممکن، طوری که همسر تان ذره‌ی متوجه بدگویی دیگری از خودش نشود، ماجرا را با او در میان بگذارید. فقط در حدی که درباره اشتباهاتش به او هشدار داده باشید و در صورت نیاز، او را متوجه ناراحتی طرف دیگر از همسر تان کرده باشید، آن‌هم با نیت این که همسر تان را به دل‌جویی از آن شخص ترغیب کنید.

– مشکلات اعضای خانواده شما با هم، مشکلات شخصی خواهر شما با همسرش یا حتا رازهایی که یک دوست به عنوان درد دل با شما در میان می‌گذارد، چیزی نیست که بخواهید به همسر تان انتقال دهید. البته قرار نیست چیزی را هم مخفی کنید، اما از این مسایل در حدی با او صحبت کنید که اگر بعدها در جمعی کسی راجع به این مشکل چیزی گفت، همسر شما بی‌خبر نباشد. همین و بس. دانستن جزئیات هیچ ضرورتی ندارد و کمکی به زنده‌گی دو نفره شما نخواهد کرد.

– این‌که تمام پسرهای قوم و خویش روزی آرزوی ازدواج با شما را داشته‌اند (خانم محترم!) یا مادر شما به محض تمام شدن دوره تحصیل تان یک لیست بلندبالا از دختران دم‌بخت در اختیار تان قرار داده که از قضا همه‌شان علاقه‌مند ازدواج با شما بوده‌اند (آقای محترم!)، چیزی نیست که بخواهید با نامزدتان در میان بگذارید. مگر آن‌که بخواهید پای بی‌اعتمادی، سرخورده‌گی، تحقیر و احساس ناامنی را به زنده‌گی تان باز کنید.

گفتن از این مسایل، این حس را در همسر شما به وجود می‌آورد که هر زمان ممکن است شما را از دست بدهد و این اصلاً حس خوشایندی نیست.



تبارشناسی

معنای پول



شایسته مدنی

در ادبیات رایج، رویکردهای متفاوتی شامل دیدگاه‌های فردی، فرهنگی و اجتماعی نسبت به پول وجود دارد. گرچه در نهایت تأکید بر اهمیت آن است. کروگر [۳] (۱۹۸۶) مثال زیبایی دارد: «پول احتمالاً بامعناترین عینیت در زنده‌گی معاصر است: تنها غذا و رابطه جنسی به عنوان حاملان چنین احساس متفاوت و قوی رقابتی آن هستند» (Terence, Amy, ۱۹۹۹). پول، «مشترک و همه‌گانی» است، زیرا معادل همه چیز است. فقط آن‌چه یکتا و بی‌مانند است، بازشناخته می‌شود و شاخص است. هر آن‌چه با بسیاری برابر است، حتا با پست‌ترین آن بسیاریان نیز برابر است و به همین سبب، والاترین‌ها به سطح پست‌ترین‌ها فرو می‌کشد. این امر نتیجه و تراژدی هر نوع جریان هم‌سطح‌سازی است: این جریان مستقیماً به سطح پست‌ترین عنصر منتهی می‌شود، زیرا والا همیشه می‌تواند به پستی درافتد اما به‌ندرت پستی والا می‌شود. از این‌رو با تبدیل‌پذیری یک‌سان عناصر ناهمگن به پول، ارزش درونی اشیا لطمه می‌بیند، بنابراین عوام حق دارند که به زبان خود شی‌بی خاص و شاخص را «بی‌قیمت» بنامند. (زیمل: ۱۳۸۶: ۳۳۲-۳۳۱)

گرایش وجود دارد که پول را که فقط ابزاری برای کسب سایر کالاهاست، کالایی مستقل به حساب آورند، درحالی‌که پول در حقیقت میانجی است؛ پلی است که به کار رسیدن به هدف و مقصود خاصی می‌خورد و حلقه‌ی است از زنجیری طولانی. اگر در روان خود زنجیر را پاره کنیم، پول به نقطه پایان و مقصد تبدیل می‌شود. از آن‌جا که اکثریت مردم مدرن در اغلب اوقات زنده‌گی خود باید حواس‌شان را جمع درآوردن پول کنند، این عقیده قوت می‌گیرد که لازمه رسیدن به هر نوع شادمانی و خرسندی مشخص در زنده‌گی، تصاحب مقدار معینی پول است. پول به لحاظ درونی، از پیش‌نیاز و ابزاری صرف به هدف غایی تبدیل می‌شود. هنگامی که این هدف تأمین شد، ناخرسندی و کسالت شدید متنوبی ایجاد می‌شود، این حالت را می‌توان در تجار بازنشسته‌ی که ثروتی اندوخته‌اند، به نحوی بارز مشاهده کرد (زیمل، ۱۳۸۶: ۳۳۳).

انواع پول:

پول بد، پول خوب را از رواج می اندازد: پیش از آن‌که پول کاغذی به عنوان وسیله پرداخت بدهی رواج یابد، فلزات گران‌بها رایج‌ترین شکل پول به شمار می‌رفتند. سکه‌های طلا و نقره ضرب‌شده دارای ارزش اسمی معادل ارزش فلز محتوای خود بودند. از زمانی که ارزش اسمی پول فلزی بیش از ارزش فلز محتوای آن شد، اهمیت و رواج سکه رو به کاهش نهاد (ارزش‌باخته‌گی سکه). دارنده‌گان سکه‌هایی که ارزش اسمی‌شان بیش از ارزش فلز محتوای آن‌ها بود، با این مبادله ارزش کمتری عایدشان می‌شد. نتیجه آن شد که پول «خوب» یعنی سکه ارزش‌باخته از گردش افتاد

پول ارزان: این اصطلاح مبین شرایطی است که در آن مجموعه‌ی از نرخ‌های نسبتاً نازل بهره و اعتبارات فراوان وجود داشته باشد. کاربرد این اصطلاح به معنای آن است که: ۱- نرخ‌های بهره به سطحی پایین‌تر از قبل افت کرده‌اند؛ ۲- بسیاری از نیازمندان وام که پیشتر از دریافت آن محروم بودند، اکنون می‌توانند بدان دست یابند؛ ۳- دست‌یابی به سرمایه تا حدی آسان‌تر است. از آن‌جا که این اصطلاح مبین شرایط نسبی است، بنابراین هیچ نرخ بهره یا میزان اعتبار خاصی را نمی‌توان برای تشخیص پول ارزان معین کرد.

پول اعتباری: پول رایجی که صرفاً به اعتبار سازمان انتشاردهنده و پذیرش گسترده مردم ارزش یافته باشد. اسکناس (پول کاغذی) متداول‌ترین شکل پول اعتباری محسوب می‌شود. بر خلاف پول تمام‌عیار (سکه‌های طلا و نقره)، پول اعتباری به‌آسانی و به مقدار و مبلغ زیاد قابل چاپ و حمل آن نیز آسان است. علاوه بر این، مقدار انتشار این نوع پول به

میزان فلزات قیمتی کشور بسته‌گی ندارد. بدیهی است انتشار بی‌رویه پول اعتباری می‌تواند موجب سلب اعتماد مردم شود و ارزش آن رو به کاهش گذارد. باید توجه داشت که پول اعتباری که اساساً به اتکای تأیید قانونی انتشار می‌یابد، با پول فلزی و کاغذی که دارای پشتوانه باشند، تفاوت دارد.

پول سیاه: اصطلاحی برای مشخص کردن مسکوکات مسین یا فلزاتی به جز طلا و نقره. در تداول عامه گویای بی‌ارزش بودن شی است.

پول راکد: پولی که از جریان خارج و به صورت ثروت اندوخته شود. کینز به وجود یک نوع تقاضای نفع‌طلبانه برای پول باور داشت و می‌گفت هرگاه بی‌اطمینانی نسبت به قیمت‌های آتی دارایی‌های مالی پدید آید، گرایش به نگهداری پول راکد افزایش می‌یابد؛ زیرا این نوع دارایی‌ها در حقیقت جایگزین پول برای اندوختن ثروت به شمار می‌روند.

پول بی‌پشتوانه: پول کاغذی یا اسکناس که پشتوانه طلا یا نقره نداشته باشد. این اصطلاح از قانون بانکی ۱۸۴۴ انگلستان نشأت گرفت که میزان نشر اسکناس بی‌پشتوانه را به ۱۴ میلیون پوند محدود کرده بود. طبق قانون مزبور، نشر اسکناس بیشتر از این مقدار بایست حتماً دارای پشتوانه کامل طلا باشد. میزان نشر اسکناس بی‌پشتوانه همواره افزایش یافته، به طوری که در حال حاضر مقامات پولی محدودیتی در نشر این نوع اسکناس ندارند و در حقیقت نشر اسکناس اکنون دیگر بدون پشتوانه است.

پول بد، پول خوب را از رواج می اندازد: پیش از آن‌که پول کاغذی به عنوان وسیله پرداخت بدهی رواج یابد، فلزات گران‌بها رایج‌ترین شکل پول به شمار می‌رفتند. سکه‌های طلا و نقره ضرب‌شده دارای ارزش اسمی معادل ارزش فلز محتوای خود بودند. از زمانی که ارزش اسمی پول فلزی بیش از ارزش فلز محتوای آن شد، اهمیت و رواج سکه رو به کاهش نهاد (ارزش‌باخته‌گی سکه). دارنده‌گان سکه‌هایی که ارزش اسمی‌شان بیش از ارزش فلز محتوای آن‌ها بود، با این مبادله ارزش کمتری عایدشان می‌شد. نتیجه آن شد که پول «خوب» یعنی سکه ارزش‌باخته از گردش افتاد. این جریان توسط قانون گرشام بیان شده است.

زوبین

های

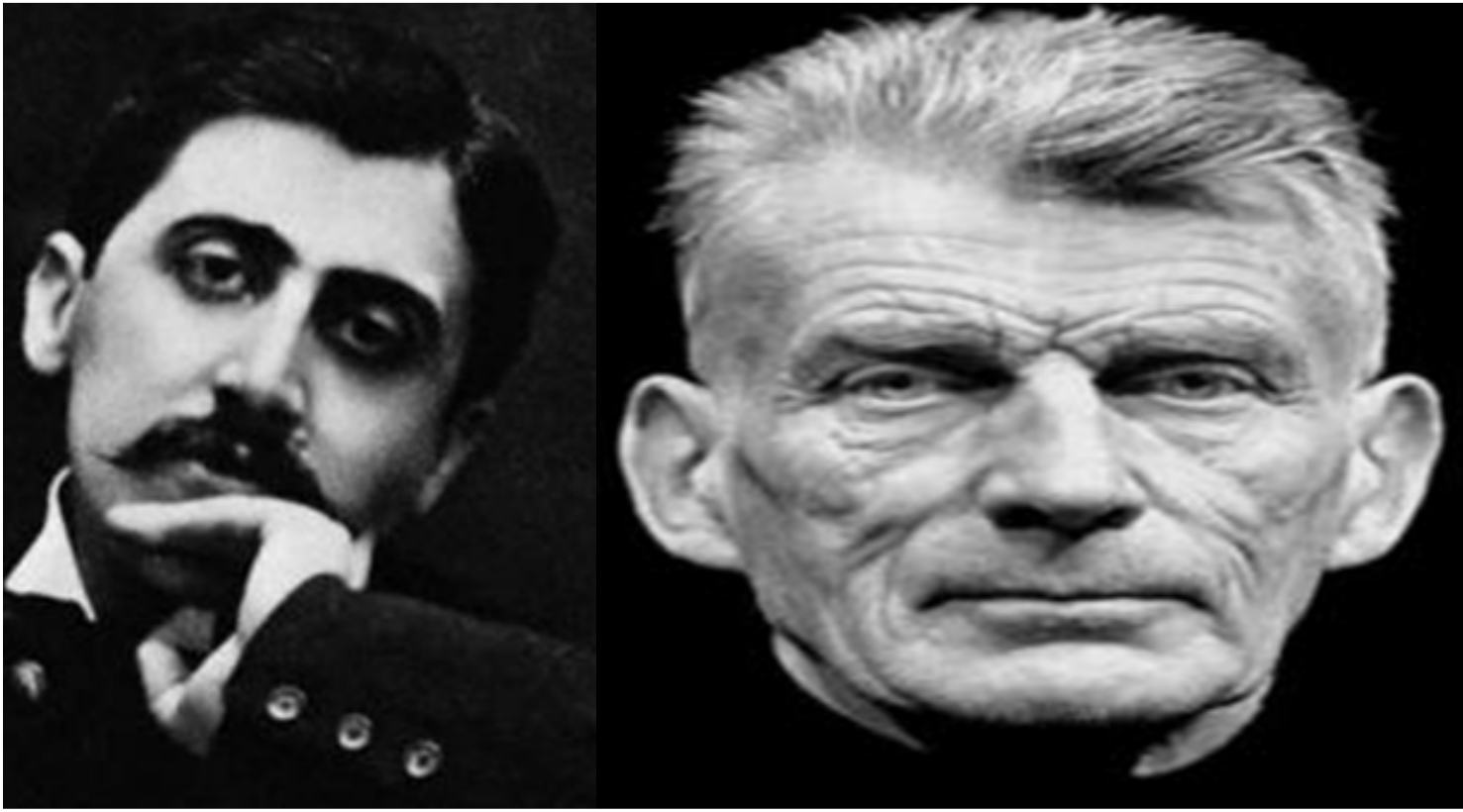
پروست

ساموئل بکت

برگردان: رضا خکیان

معادله پروستی هیچ‌گاه ساده نیست. معادله همواره نامعلوم است و مدام از زرادخانه مقادیر سلاح‌های تازه‌یی برمی‌گزیند. قدرت ویژه‌اش از اثری دوگانه برخوردار است: هر یک از زوبین‌های پروست می‌تواند زوبین تلف ۲ باشد. ما دیرتر، این دوگانه‌گی را در تعدد «چشم‌انداز»های پروست جزء به جزء بررسی خواهیم کرد. اما برای دست زدن به این تجزیه و تحلیل، به‌جاست که آن‌گاه‌شماری درونی را، آن‌چنان که پروست عرضه کرده، بپذیریم. بنابراین پیش از هر چیز، این غول دو سر عقوبت و عاقبت، یعنی زمان راه خواهیم سنجید. در کتاب‌خانه پرنسس گرمات (مادام وردورن سابق) است که طرح اولیه ساختمانی را که راوی می‌خواهد بنا کند، در اندیشه‌اش راه می‌یابد. نوع مصالح ساختمان را بعدها در جریان مهمانی انتخاب می‌کند. کتاب در ذهنش شکل می‌گیرد. او پی می‌برد که نارسایی قراردادهای ادبی، هنرمند را ناگزیر می‌کند که به سازش‌های بسیار تن دردهد، و او به عنوان نویسنده نمی‌تواند زنجیره علت و معلول را به میل خود بگسلد. برای مثال، با بزرگ‌نمایی کاریکاتوروار خصایص و خطوط ویژه، تصویر روشن خواست فرد درهم می‌ریزد (از شکل می‌افتد و ضایع می‌شود). تولید انبوه ماسک محافظ برای موضوعاتی که او در آن‌ها می‌کاود، هرچند که این کاوش با پنهانی‌ترین نگاه باشد، ناممکن است. پس به ناچار خط‌کش و پرگار مقدس هندسه ادبی را می‌پذیرد، اما از این بیشتر تسلیم نمی‌شود. او قوانین فضا را نفی می‌کند. نمی‌خواهد که عظمت و وقار انسان را با مقیاس‌های جسمانی اندازه بگیرد؛ ترجیح می‌دهد که مقیاس گذر سالیان را به کار گیرد. او این دیدگاه را در آخرین جمله کتابش چنین بیان می‌کند: «از همین‌رو، اگر آن‌چنان نیرویی برایم باقی می‌ماند تا اثرم را به پایان برسانم، پیش از هر چیز به توصیف انسان‌ها می‌پرداختم (هرچند که این توصیف آن‌ها را موجوداتی غول‌آسا جلوه دهد)، چنان انسان‌هایی که جایی بس گسترده را در کنار جایی بس تنگ که در فضا برای‌شان باقی مانده، اشغال کرده باشند؛ جایی گسترده و بی‌کرانه را در زمان - چرا که آنان، هم‌چون غول‌هایی غوطه‌ور در اقیانوس سالیان، با هم به اعصاری دور از هم دست یافته‌اند، به اعصاری که در میان‌شان این‌همه روزها جای گرفته است.»

آفریده‌گان پروست، قربانیان این سرنوشت‌اند؛ قربانیان موقعیت چیزه‌یی که زمان نام دارد؛ قربانیانی هم‌چون برخی از ارگانسیم‌های پست که تنها به دو بعد آگاهی دارند و ناگهان راز بلندا را درمی‌یابند و قربانی آن می‌شوند؛ قربانی و زندانی آن. ما را نه از ساعت‌ها گریزی است و نه از روزها. و از فردا نه بیشتر از دیروز. ما را از دیروز گریزی نیست، چرا که دیروز تغییر شکل‌مان داده، مگر این‌که ما تغییر شکلش داده باشیم. آن‌گاه که این دگرگونی رخ داده باشد، جلوه لحظه دگرگونی چندان اهمیتی ندارد. دیروز مرزی نیست که از آن گذشته باشیم، سنگ‌پاره‌یی است در راه‌کوره‌های قدیمی و فرسوده سالیان



حافظه و عادت، جزو غده سرطانی زمان هستند. آن‌ها حتا بر ساده‌ترین حوادث کتاب پروست فرمان می‌رانند، و ما برای این‌که بتوانیم شیوه کاربرد آن‌ها را جزء به جزء تجزیه و تحلیل کنیم، می‌باید که ساز و کار آن‌ها را بشناسیم. آن‌ها ستون‌های معبدی هستند که در ستایش خرد معمار برافراشته شده‌اند؛ خردی از آن‌همه خردمندان، از برهما گرفته تا لئوپاردی، خردی که نه

در پی ارضای خواست و تمنا، بلکه در صدد ابطال آن است

خودآشکار، بی‌هیچ نظام هم‌زمانی در میان آن‌ها. بنابراین، موضوع هر چه باشد، بنا به تعریف، عطف ما برای تصاحب آن فرونشاندن نمی‌شود. در قلمرو هنر، هم‌چنان که در قلمرو زنده‌گی، نمی‌توانیم هر آن‌چه را که در زمان تحقق می‌یابد (هر آن‌چه را که زمان پدید می‌آورد)، جز در توالی‌های زمانی، آن‌هم به صورت سلسله‌یی از ضمایم جزئی، تصاحب کنیم - که هیچ‌گاه در همان لحظه کامل نیست. تراژدی رابطه مارسل - آلبرتین از همان نوع تراژدی روابط انسانی است: شکست آن از پیش رقم خورده است. تحلیل من از این فاجعه بنیادی، جنبه بسیار انتزاعی یا بسیار خودسرانه چنین توصیفی از بدبینی پروست را مشخص خواهد کرد، زیرا هر غده‌یی بیشتر و مرهمی خاص خود می‌طلبد. حافظه و عادت، جزو غده سرطانی زمان هستند. آن‌ها حتا بر ساده‌ترین حوادث کتاب پروست فرمان می‌رانند، و ما برای این‌که بتوانیم شیوه کاربرد آن‌ها را جزء به جزء تجزیه و تحلیل کنیم، می‌باید که ساز و کار آن‌ها را بشناسیم. آن‌ها ستون‌های معبدی هستند که در ستایش خرد معمار برافراشته شده‌اند؛ خردی از آن‌همه خردمندان، از برهما گرفته تا لئوپاردی، خردی که نه در پی ارضای خواست و تمنا، بلکه در صدد ابطال آن است.

فریب‌های عاشقانه چنان کاری می‌کنند که در ما گذشته از امید، تمنا نیز خاموش می‌شود. ۱۰

کلی، آب نخستین رام، بی‌شکل، بی‌طعم و بی‌هیچ خصلت بورجایی است و به گونه‌یی مبهم از ورای خواست مه‌آلود و تسلیم‌وار ما به زیستن و بر اثر خوش‌بینی وخیم و درمان‌ناپذیر ما، به حدس تشخیص داده می‌شود. و چنین می‌نماید که از تلخی تقدیر به دور است (چیزی که در بیرون کمین ما را می‌کشد، چیزی که در درون ما نیست). با این همه، گاه آینده همان کاری را با ما می‌کند که گذشته کرده است. کافی‌ست که با یک تاریخ، با تعیین یک زمان، سطح بی‌موج آب آینده، متلاطم شود: آن‌گاه روزهای باقی‌مانده تا وقوع خطر یا تحقق وعده، عینیت می‌یابند. برای مثال، سوان با حالتی تسلیم‌آمیز و اندوه‌بار به ماه‌های تابستان می‌اندیشد که می‌باید دور از اودت بگذرانند. روزی اودت به او می‌گوید: «فورسویل (نخست معشوقش بود و پس از مرگ سوان، همسرش شد) در عید خمسین به سفر جالبی می‌رود. به مصر می‌رود.» معنی این حرف برای سوان چنین است: «من در عید خمسین با فورسویل به مصر می‌روم» ۷ آب زمان آینده منجمد می‌شود و سوان بینوا می‌باید با واقعیت آتی اودت و فورسویل در مصر، روبه‌رو شود. رنجی که او از آن می‌برد، از تلخی اکنون دردناک‌تر است. میل راوی به دیدن بر ما نمایش قدر با اعلام این خبر که: «درها را ساعت دو می‌بندند» شدت بیشتری می‌یابد تا با این چند کلمه‌یی که برگوت می‌گوید: «رنگ‌پریده‌گی زاهدانه» و «افسانه خورشید» ۸. لاقیدی راوی، هنگامی که باید در پایان روز در بعلبک از آلبرتین جدا شود، بر اثر یادآوری بی‌اهمیتی که آلبرتین به عمه‌اش یا به دوستی می‌کند: «پس تا فردا، ساعت هشت و نیم»، به اضطرابی بیش از حد آزرانده بدل می‌شود. این توافق ضمنی که می‌تواند زمام آینده را در دست داشت، فرو می‌یابد. تا وقتی که رویدادی که قرار است رخ دهد، زمان و مکان آن دقیقاً تعیین نشده، هم‌چنان نامشخص می‌ماند و نمی‌توان پیامدهای آن را تشخیص داد. تا هنگامی که آلبرتین با او بود، احتمال از دست دادنش چندان مضطربش نمی‌کرد، زیرا مانند احتمال مرگ، مبهم و انتزاعی بود. تصویری که هر کس برای خود از مرگ دارد، هر چه باشد، یک چیز قطعی است: این تصور هیچ ارزش و مفهومی ندارد؛ مرگ با ما برای روز معینی قرار ملاقات نگذاشته است. درکی از همین دست هنر تبلیغات را دگرگون کرده است. اکنون نه تنها ما را به نوشیدن مشروب برژه تشویق می‌کنند، بلکه به ما می‌گویند که باید آن را در ساعت هفت بنوشیم. ۹ تا این‌جا فرد متغیر را نسبت به موضوع آرمانی نامتغیر و تباهی‌ناپذیر بررسی کرده‌ایم. درک مشترک ما تنها بر پدیده‌های مشترک استوار است. این‌که موضوع مفروضی از هرگونه تحرک ذاتی مستثنا باشد، تغییری در این واقعیت ایجاد نمی‌کند که این موضوع با فردی که فاقد چنین مصونیتی است، پیوند تنگاتنگی دارد. مشاهده‌گر، تحرک خاص خود را به موضوع مشاهده تزیق می‌کند. بگذریم از این که در روابط انسانی ما با موضوعی سر و کار داریم که تحرکش صرفاً زاده عمل فرد نیست، بلکه به خود آن موضوع تعلق دارد؛ دو دینامیسم مجزا و

یادداشت‌ها:

۱. ساموئل بکت در سال ۱۹۳۰، هنگامی که بیست‌وچهار ساله بود، رساله‌یی درباره پروست به زبان انگلیسی نوشت که به سال ۱۹۳۱ در لندن انتشار یافت. ترجمه فرانسه این کتاب در سال ۱۹۹۰ در پاریس منتشر شده است. آن‌چه در این‌جا می‌خوانید، برگردان چند صفحه نخست متن فرانسه کتاب است. - م.
۲. در زمان محاصره تروا، تلف (Telephe)، پسر هراکلس، به دست آشیل زخمی شد. چنین پیش‌گویی شده بود که او با همان چیزی که زخمی شده، درمان خواهد شد. پس با اندکی از زنگ آهن زوبین آشیل، زخم را درمان کردند.
۳. زمان بازیافته، ج ۴، ص ۶۲۲.
۴. همان‌جا، ص ۶۲۵.
۵. در متن فرانسه: Pepe، پدربزرگ به زبان کودکانه. - م.
۶. اشاره به جزاره بورجا (۱۵۰۷-۱۴۷۵)، سردار ایتالیایی که گذشته از اشتهارش به خشونت و نیرنگ‌کاری، بسیار تیزهوش و کارآمد بود. گفته می‌شود که ماکیاولی او را الگوی شهریار خویش قرار داده بوده است. - م.
۷. طرف خانه سوان، ج ۱، ص ۳۵۰.
۸. در سایه دوشیزه‌گان شکوفا، ج ۱، ص ۴۳۶.
۹. اشاره به یک آگهی تبلیغاتی برای مشروبی که در آن زمان معروف بود.
۱۰. از جاکومو لئوپاردی (۱۸۳۷-۱۷۹۸)، شاعر ایتالیایی.

منبع: مجله گردون

نقص عمده بر نامه‌های نامزدان ریاست جمهوری

نثار احمد فیضی غوریانی - عضو مجلس نماینده‌گان

این روزها تب و تاب‌های انتخاباتی در کشور به گونه‌ی سرسام‌آوری بالا گرفته است. چه در رسانه‌ها و چه در روی خیابان‌ها می‌توان شاهد رونق بازار انتخابات پیش رو بود. نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری از هر فرصت به دست آمده برای ریکلام کردن خود بهره می‌برند. یکی می‌گوید صلح مهم‌ترین مشکل افغانستان است و در اسرع وقت آن را تأمین می‌کند. دیگری دم از فقرزدایی می‌زند. یکی مشکل امنیت را در نبود نظام مکلفیت سربازی عنوان می‌کند، و دیگری وعده گسترش رابطه افغانستان با جامعه جهانی را می‌دهد. اما در این میان آنچه غایب است، مکانیزم رسیدن به حل چنین مشکل‌هایی است. آیا فقط با گفتن و شعار می‌توان کشور را از بحران‌های موجود نجات بخشید؟!

من تا هنوز با یک برنامه منسجم و مدون از سوی نامزدها که به گونه کارشناسانه به مشکلات کشور پرداخته باشد، برخورد کرده‌ام. به همین بحث صلح نگاه کنید، هر کس از گفت‌وگو و مذاکره با مخالفان سخن می‌گوید، ولی هیچ‌کس نیست که بگوید این گفت‌وگوها چه گونه و بر چه اساسی قرار است انجام شود. آیا می‌توان با هر نوع مخالفتی کنار آمد؟ آیا آن‌ها که در پی براندازی نظام‌اند و هیچ اعتقادی به سازوکارهای دموکراتیک ندارند، می‌توانند در طرح صلح نامزدها بگنجانند؟

باور من این است که ما برای برگزاری انتخابات عادلانه و شفاف در کشور، نیاز به نهادینه‌سازی فرهنگ انتخابات داریم؛ فرهنگی که بر اساس آن، مردم تصمیم بگیرند به کی رای دهند و به کی رای ندهند. اگر با شعارهای دهان‌پرکن، مشکلاتی چون فساد، بی‌عدالتی، فقر و امثالهم حل می‌شود، بدون شک دولت فعلی باید دولتی موفق می‌بود. ولی می‌بینیم که برخوردهای سطحی‌گرایانه با مسایل نمی‌تواند حلال مشکلات باشد. تجربه تاریخی ملل و جوامع نشان داده که فقط در موجودیت اندیشه‌ورزی و رویکرد علمی به

موافقتنامه امنیتی را با...

کاخ سفید عنوان کرد که بدون توافق دو جانبه امنیتی با افغانستان همه نیروهای امریکایی در پایان سال جاری میلادی از این کشور خارج خواهند شد و حامد کرزی، در خصوص این توافق باید طی چند هفته باقی مانده تصمیم گیری کند.

روزنامه وال استریت ژورنال عنوان کرد که برنامه

امروز نشست سه جانبه کابل،...

وزرای خارجه، دفاع، رییس شورای عالی صلح، مشاور امنیت ملی ریاست جمهوری و سرپرست اداره امنیت ملی افغانستان، حامد کرزی را در این سفر همراهی می‌کنند.

برقراری صلح و ثبات در منطقه و تقویت روابط افغانستان، پاکستان و ترکیه از مهمترین موضوعات مذاکرات هشتمین نشست مقامات بلندپایه این سه کشور خواهد بود.

طبق برنامه اعلام شده، محمد نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان بعد از ظهر چهارشنبه وارد انقره خواهد شد و در ضیافت شام عبدالله

مسایل، می‌توان به حل آن‌ها نایل شد. این تجربه بدون شک برخاسته از فضا و اتمسفر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه است.

من به این باورم که بسیاری از نامزدهای ریاست جمهوری کشور - با همه احترامی که به همه آنان دارم - هنوز قادر به شناخت کامل از جامعه افغانستان نشده‌اند. بحث شناخت‌شناسانه از جامعه برای تشخیص مشکل‌های آن بسیار پُراهمیت است. مرحوم دکتر علی شریعتی، متفکر و نظریه‌پرداز مسلمان، وقتی با تیوری‌ها و دیدگاه‌های وارداتی روبه‌رو می‌شد، سخن حکیمانه‌یی بر زبان می‌آورد. او می‌گفت در مورد هر جامعه باید به مسأله «جغرافیای حرف» توجه کرد. به گفته شریعتی، هر حرف - که منظور او بیشتر تیوری بود - برای منطقه و محیط خاصی ساخته شده و اگر بخواهیم حرفی را در یک کشور دیگر استفاده کنیم، باید آن را منطبق با شرایط آن کشور تعدیل کنیم. شریعتی تأکید می‌کرد که بعضاً یک حرف در یک کشور و جامعه سبب خیر و فلاح می‌شود، ولی همان حرف ممکن است برای جامعه دیگر، مصیبت و بدبختی به‌بار آورد.

این موضوع برای کشور ما نیز حایز اهمیت فراوان می‌باشد. گاهی حرف‌های جذاب و زیبا می‌شنوی، ولی آیا آن حرف‌های زیبا برای جامعه‌یی مثل افغانستان کارآیی و کاربرد دارد؟!

بخشی از مشکلات حکومت فعلی، در نادیده گرفتن و در اصل نشناختن شرایط کشور نهفته است. در این‌که اقتصاد پویا برای کشور می‌تواند مفید باشد، شکی وجود ندارد؛ ولی همین اقتصاد پویا وقتی با فضای جامعه سازگار ساخته نشود، احتمال دارد که سبب فاجعه گردد. زیرا عده‌یی از تحلیل‌گران اقتصادی، سیاست بازار آزاد را در افغانستان به باد انتقاد می‌گیرند و باور دارند که این سیاست، شکاف‌های طبقاتی را به گونه چشم‌گیری افزایش بخشیده است. حال آن‌که امروزه ثابت شده که هیچ کشوری با اقتصاد رهبری شده به شکل کشورهای سابق کمونیستی، نمی‌تواند از پس نیازهای اقتصادی جامعه بیرون شود و کشور را به تعالی، رشد و شکوفایی

بازبینی شده برای خروج سربازان از افغانستان براساس یک طرح داده شده از جانب پنتاگون در ماه جنوری انجام شده است و شامل حفظ ۱۰ هزار سرباز امریکایی در افغانستان پس از سال جاری میلادی در تعداد محدودی از پایگاه‌ها می‌شود.

این طرح عنوان می‌کند این سربازان طی دو سال از افغانستان خارج شده و همه سربازان امریکایی به جز پرسنل نظامی در محل سفارت امریکا در

گل رییس جمهوری ترکیه شرکت می‌کند.

براساس این برنامه، نواز شریف صبح پنجشنبه دیدارهای جداگانه‌یی با رجب طیب اردوغان نخست وزیر و عبدالله گل رییس جمهوری ترکیه خواهد داشت.

پس از این دیدارها و در بعد از ظهر همان روز، جلسه مشترکی با حضور عبدالله گل رییس جمهوری ترکیه، حامد کرزی رییس جمهوری افغانستان و رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه برگزار می‌شود.

عصر پنجشنبه نیز دو جلسه در چارچوب نشست سه جانبه و با حضور مقامات افغانستان، پاکستان و ترکیه برگزار می‌شود.

پس از این دیدارها، روسای جمهوری ترکیه

برساند. اقتصاد بازار، سیاست درستی است، ولی مشکل این‌جاست که آن را باید با شرایط کشور وفق داد و بر اساس اتمسفر موجود در جامعه از آن استفاده کرد. در نظر نگرفتن شرایط یک جامعه و به اصطلاح برخوردهای ملانقطی کردن با وضعیت، به این می‌ماند که کشاورزی بدون در نظر داشت وضعیت اقلیمی محیطش، بذری را بیافشاند که در خاک و زمینش حاصل نمی‌دهد. بدون شک همه به چنین کشاورزی خواهند خندید.

وقتی کشاورز نیاز به تحلیل وضعیت آب‌و‌خاک خود دارد، به طریق اولی سیاست‌مدار بیشتر از او به چنین شناختی نیازمند است. من وقتی می‌گویم که در برنامه‌های نامزدها به آن مسایلی که نشان دهد که هدف‌های آن‌ها چه گونه و با چه مکانیزی می‌تواند تأمین خواهند شد برخورد کرده‌ام و یا کمتر برخورد کرده‌ام، منظور چنین برداشتی است. یعنی این‌که باید جامعه و مردم خود را شناخت و بر اساس مشکلات آن‌ها برنامه‌ریزی کرد و چنان برنامه‌هایی را تدوین کرد که قابلیت اجرایی شدن، داشته باشند. با گرت‌برداری و عدم تطبیق شرایط، ما راه به جایی نخواهیم برد. به صورت واضح می‌خواهم این سخن را بگویم که حتی در شعارهای انتخاباتی برخی از نامزدها، می‌توان نشانه‌های تقلید و گرت‌برداری از کشورهای همسایه را به وضاحت دید. آیا شرایط و مشکلات آن‌ها مثل شرایط و مشکلات ماست؟!

بدون شک که چنین نیست. پس سیاست‌مداران ما باید از دانش جدید استفاده کنند، ولی نیاز دارند که آن را برای شرایط افغانستان بازتولید کنند. تیوری‌های جامعه‌شناسی ممکن است در بسیاری از کشورها یک‌سان باشد، ولی نوع استفاده از این تیوری‌ها در جوامع مختلف فرق می‌کند. ما نیاز به چنین شناختی داریم. شناختی مبتنی بر علم و دانش روز، ولی با این توانایی که باید آن را بومی بسازیم. برنامه‌های نامزدها همه خوب است، همه عالی است، ولی به راستی این برنامه‌ها چه قدر قابل اجرا اند؟ آیا نامزدها به این موضوع نیز توجه نشان داده‌اند؟

افغانستان تا پایان دور دوم ریاست جمهوری باراک اوباما در اوایل سال ۲۰۱۷ از افغانستان خارج خواهند شد.

براساس این گزارش روزنامه وال استریت ژورنال این طرح بازبینی شده به ارتش امریکا اجازه خواهد داد تا یا ۱۰ هزار سرباز را پس از سال ۲۰۱۴ در افغانستان حفظ کنند و یا دستور به خروج همه سربازان تا پایان سال جاری میلادی از این کشور دهند.

و افغانستان و نخست‌وزیر پاکستان با حضور در یک نشست خبری مشترک، بیانیه مشترک صادر می‌کنند.

گفته می‌شود، مقامات پاکستان و ترکیه در جریان این نشست، توافقنامه تجارت ترجیحی میان دو کشور را به امضا خواهند رساند.

این نشست در حالی برگزار می‌شود که به گفته کارشناسان، سال ۲۰۱۴ سال سرنوشت ساز برای افغانستان خواهد بود چرا که در این سال قرار است تحولات مهمی چون خروج نیروهای خارجی از افغانستان، انتخابات ریاست جمهوری، روند صلح با طالبان و امضای پیمان امنیتی کابل-واشنگتن صورت بگیرد.

طالبان نمی‌توانند مانع...

و اراده‌یی برای برگزاری یک انتخابات سالم وجود داشته باشد، ما شاهد بهترین انتخابات خواهیم بود.

رفیعی تأکید کرد، اگر یک برنامه درست و منظم از سوی حکومت برای برگزاری انتخابات ایجاد شود، قوت‌های امنیتی افغانستان به همکاری نیروهای خارجی، به صورت مشترک امنیت انتخابات را تأمین خواهند کرد و مردم شاهد یک انتخابات فراگیر خواهند بود.

به گفته رییس جامعه مدنی، حلقه حامی طالبان در نظام سیاسی افغانستان از سالیان گذشته وجود داشته و حتی در نظام سیاسی آینده نیز حضور خواهند داشت؛ اما چون طالبان حمایت مردم را با خود ندارند، بنابراین نمی‌توانند برگزاری انتخابات را با چالش جدی مواجه سازند.

این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که سازمان ملل اخیراً در گزارشی از افزایش ۱۴ درصدی تلفات غیرنظامیان در کشور خبر داده است.

سازمان ملل در گزارش خود نوشته که بعد از سال ۲۰۰۹، سال ۲۰۱۳، «بدترین سال» برای زنان، دختران و پسران افغانستان بوده، به طوری که آمار تلفات زنان قربانی با ۳۶ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۱۲، به ۷۴۶ (۲۳۵) کشته و ۵۱۱ (زخمی) و آمار تلفات کودکان با ۳۴ درصد افزایش به ۱۷۵۶ (۵۶۱) کشته و ۱۱۹۶ زخمی رسیده است.

برخی آگاهان می‌گویند که نشر این گزارش ممکن از حضور مردم در انتخابات بکاهد.

معین مرستیال آگاه سیاسی گفت که منابع داخلی و خارجی در چنین مقطعی، باید مردم را برای حضور در انتخابات تشویق کنند، نه این‌که با نشر چنی-ن گزارش‌ها روان مردم را مخشوش بسازند.

او گفت، نشر چنین گزارش‌ها طبیعتاً همان‌طوری که بالای روان مردم اثر منفی دارد، انتخابات را نیز با مشکلاتی مواجه خواهد ساخت؛ بنابراین هم دولت و هم دوستان بین‌المللی باید متوجه عواقب نشر چنین گزارش‌ها باشند.

سخنگوی دادستانی کل:

۶۵ زندانی دیگر از زندان بگرام آزاد می‌شوند



سخنگوی دادستانی کل با اشاره به بررسی پرونده ۸۸ زندانی زندان بگرام اظهار داشت که بررسی پرونده‌های زندانیان بگرام نشان می‌دهد که ۶۵ نفر از آن‌ها بی‌گناه هستند.

بصیر عزیزی، سخنگوی دادستانی کل گفت که بررسی ۸۸ پرونده از زندانیان بگرام نشان می‌دهد که ۶۵ نفر از این زندانیان بی‌گناه هستند.

به گفته عزیزی، هیأتی از دادستانی کل با بررسی پرونده‌های این زندانیان در مورد ۶۵ پرونده اسناد و شواهدی بر مجرم بودن آن‌ها نیافته است.

به گفته وی، پرونده‌های این زندانیان از سوی کمیته «بررسی پرونده‌های زندانیان بگرام» در اختیار دادستانی کل قرار گرفته بود.

وی در ادامه تصریح کرد که پرونده ۲۳ زندانی نیز دیگر تحت بررسی است.

این در حالی است که مقامات نظامی و غیرنظامی امریکا مخالفت خود را برای آزادی این زندانیان اعلام کردند و از دولت افغانستان خواستند تا این زندانیان را آزاد نکند.

آن‌ها همچنین با خطرناک توصیف کردن این زندانیان گفته بودند که در صورت آزادی آن‌ها، افغانستان بار دیگر شاهد افزایش ناامنی خواهد بود.

آزادی زندانیان بگرام از چندی به اینسو موج تنش‌ها را بین دولت کابل و واشنگتن به وجود آورده و مقامات امریکایی برای چندمین بار ادعا کرده‌اند که زندانیان آزاد شده از بگرام از اعضای شبه‌نظامیان طالبان هستند بنابراین پس از آزادی دست به حملات انتحاری می‌زنند.



د ترکیې درې اړخیزه ناسته به بی پایلې وي

کشف یک مورد ابتلای به فلج اطفال در کابل

فلج شدنش، متوجه ابتلای او به این بیماری شدند. پدرش راننده تاکسی است و گاهی به منطقه قبایلی نشین پاکستان می‌رود و حالا دخترش را برای مداوا به آنجا برده است. «وقتی بقیه بچه‌ها بازی می‌کنند من نمی‌توانم بایستم.»

بیماری فلج اطفال در دو کشور پاکستان و افغانستان از یک خانواده است. یک و نیم میلیون کودک در سال از مرز منطقه قبایلی پاکستان به افغانستان می‌گذرند. تقریباً بیشتر موارد ابتلای به فلج اطفال که در سال گذشته در افغانستان کشف شده، از این منطقه بوده است.

افغانستان در مرز دو کشور امداد رسانی دارد که مراقب رفت و آمدها هستند و کودکانی که به نظرشان در معرض بیماری باشند را در بدو ورود به افغانستان واکسینه می‌کنند. اما هستند کسانی که به جای گذشتن از پست‌های مرزی ترجیح می‌دهند از راه‌های کوهستانی وارد کشور دیگر شوند.

طالبان پاکستان برخلاف طالبان افغانستان به طب جدید اعتقادی ندارند و گاهی امداد رسانی را هم می‌کشند و ضد واکسیناسیون شایعه‌پرازی می‌کنند.

ثریا دلیل، وزیر صحت افغانستان، می‌گوید ادامه مخالفت طالبان پاکستان با واکسیناسیون، سبب شده ریشه‌کنی فلج اطفال در افغانستان انجام نشود.

او ابتلای سکینه به این بیماری را نشانه‌ی می‌داند از ریشه‌کن شدن این بیماری و تاکید می‌کند که باید به همه بچه‌ها در هر جای افغانستان قطرات واکسن را رساند.

نخستین مورد ابتلای به فلج اطفال از زمان سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ میلادی در کابل گزارش شد. وزارت صحت افغانستان به محض انتشار خبر ابتلای دختری سه ساله به این بیماری دستور داد تا کارزاری برای واکسینه کردن کودکان در پایتخت کشور شروع شود. فلج اطفال تقریباً در تمام دنیا ریشه‌کن شده است اما هنوز در پاکستان، افغانستان و نیجریه این بیماری شایع است.

در هر سه کشور، تندرورها مانع از انجام کار کسانی می‌شوند که برای واکسینه کردن کودکان و ریشه‌کنی این بیماری به نقاط مختلف می‌روند.

در سال‌های اخیر، طالبان افغانستان سیاست خود درباره واکسیناسیون را تغییر دادند و به همین دلیل از شمار مبتلایان به فلج اطفال در کشور کاسته شده است.

پیدا شدن این مورد جدید از بیماری فلج اطفال، مقام‌های بهداشتی افغانستان را نگران کرده است.

این مورد جدید در محله‌ی در شرق کابل پیدا شده که محل اسکان کوچی‌هاست که عشایر دامدار بودند.

این محله نه آب لوله‌کشی دارد و نه برق. برخی از ساکنان آنجا هم در سرمای زمستان در چادر می‌خوابند.

امداد رسانیان به همه خانه‌های این منطقه از کابل برای واکسیناسیون سرکشی کرده‌اند. آنها بعد از ریختن قطره واکسن در دهان نوزادان، روی دستشان با جوهر خط آبی می‌کشند و تاریخ را روی دیوار خانه ثبت می‌کنند.

طب جدید و طالبان سکینه نام دختر سه ساله‌ی است که بعد از

چارواکی به کی گدون کوی چپ هغوی د پرېکړې واک نه لري. د هغه په خبره، تر هغې چې په دې غونډه کې د پاکستان استخبارات او پوځ گډون ونه کړي، خپله پرېکړه اعلان نه کړي او د خپلې پرېکړې د عملي کېدو لپاره اقدامات ونه کړي دغه ډول ناستې پایله نه ورکوي او نه د سولې په برخه کې پرمختګ کېدای شي.

په همدې حال کې د سیاسي چارو شنونکي غلام محمد محمدي ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، چې افغانستان او پاکستان ترمنځ ستونزه تاریخي او سرحدی ده.

هغه وایي، د پاکستان له جوړېدو راهیسې دوه ویش کاله افغانستان د پاکستان په چارو کې مستقیمه لاسوهنه وکړه، اوس هماغه کړنه پاکستان برعکس کړې او د افغانستان په چارو کې لاسوهنه کوي.

نوموړی وایي، پاکستان له افغانستان سره د سرحدی شخړې اوارېدل غواړي، خو افغان چارواکیو تل له دې مسالې سر غرونه کړي، د افغانستان او پاکستان ترمنځ غځېدلې پوله یې نه ده تړلې.

د ه په خبره، په ۲۰۰۶ کال کې مشرف کابل ته راغی، ولسمشر کرزی ته یې د دواړو هېوادونو ترمنځ د غځېدلې پولې د تړلو خبره وکړه، ۹۰۰ کیلومتره پوله یې غوښتل په اغزن سیمو او دېوال وټړي؛ خو وسله وال افغانستان ته را وانه وړي؛ خو افغان چارواکیو ورسره مخالفت وکړ.

د ده په وینا، د دې ترڅنګ اوس له پاکستان ډېر افغانستان د دې پولې تړلو او په رسمیت پېژندلو ته اړتیا لري، ځکه له پاکستانه افغانستان ته وسله وال ترهګر را اوړي او په افغانستان کې نا امني جوړوي.

ښاغلي محمدي زیاته کړه، تر هغې چې دا ستونزه حل شوې نه وي، ترکیه، امریکا او د نړۍ نور پیاوړي هېوادونه نشي کولای د افغانستان او پاکستان ترمنځ مساله حل کړي.

د نوموړي په اند، پاکستان د دې پولې د تړلو لپاره جدي دي او دا غواړي، تر هغې چې دا ستونزه حل شوې نه وي نشي کېدای په افغانستان کې امن او ثبات راشي.

د یادوني وړ ده، چې افغانستان له پاکستان، امریکا او پاکستان - بریتانیا او نورو هېوادونو سره هم دغه ډول درې اړخیزې او څو اړخیزې ناستې لري. خو تر اوسه دغو ناستو کومه عملي پایله نه ده ورکړې.



ولسمشر حامد کرزی تېره ورځ په ترکیه کې د افغانستان پاکستان او ترکیې په درې اړخیزه غونډه کې د گډون لپاره انفرې ته روان لار. دا په تېرو څو کلونو کې د درې واړه هېوادونو ترمنځ اتمه غونډه ده.

د سیاسي چارو یوشمېر شنونکي وایي، چې دغه ډول درې اړخیزې غونډې پایله نه ورکوي. هغوی وایي، د کابل او اسلام اباد ترمنځ ستونزه له دې ډېره ژوره او ستره ده، چې په دغه ډول درې اړخیزو غونډو کې پرې بحث کېږي.

د سیاسي چارو شنونکي وایي، له ترکیې د افغانستان هیلې ختمې شوي دي. خو ولسمشرۍ ماڼۍ وایي، چې ولسمشر کرزی به په دې غونډه کې به په درې اړخیزو او له ترکیې سره په دوه اړخیزو اړیکو خبرې اترې وشي.

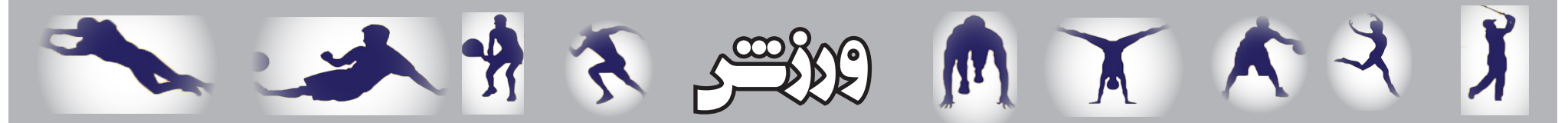
د افغانستان د سیمه ییزو مطالعاتو د مرکز مشر عبدالغفور لېوال ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، له بده مرغه ترکیې ته چې کومه هیله وه هغه له منځه تللې او اوس نه افغان ملت او نه هم افغان حکومت له ترکیې پخوانۍ هیلې لري.

د ده په وینا، د افغانستان او پاکستان ترمنځ شته ستونزې د افغانستان، پاکستان او ترکیې په درې اړخیزه غونډه کې نشي حل کېدای، د دې لړۍ تېرو اوو غونډو کومه پایله نه ده ورکړې او دغه ناسته به یې هم بی پایلې وي.

هغه وایي، د افغانستان او پاکستان ترمنځ سیاسي - دیپلوماتیکه ستونزه نشته چې د دغسې غونډو له لارې حل شي، دا چې په دغه ډول غونډو کې پرمختګ نه کېږي یو لامل یې دا دی چې دا ناستې په دیپلوماتیک ډول جوړېږي.

ښاغلی لېوال په دې اند دی، د افغانستان او پاکستان ترمنځ داسې څه نشته چې دواړه لوري یې په دې غونډه کې ووايي، بحث پرې وشي او ستونزه حل شي.

د افغانستان د سیمه ییزو مطالعاتو د مرکز مشر وویل، د دې ناستې بله ستونزه دا ده چې د پاکستان ملګري



تیاګو سیلوا:

با آغوش باز منتظر هزاره هستیم

مدافع برزیلی پاری سن ژرمن عنوان کرد با آغوش باز در انتظار پیوستن ادن هازارد به تیم فرانسوی است.

ادن هازارد هافبک بلژیکی چلسی در این فصل عملکرد مطلوبی زیر نظر ژوزه مورینیو داشته است و موفق شده است با زدن ۱۴ گل و فراهم کردن ۹ پاس گل در این فصل نقش مهمی در صدرنشینی آبی‌های لندن داشته باشد. البته شایعات رفتن این بازیکن به تیم پاری سن ژرمن فرانسه از ابتدای فصل به گوش رسیده است. شایعاتی که خود هازارد تمایلی به آن ندارد و اعلام کرده از بودن در چلسی خوشحال است.

تیاګو سیلوا، مدافع برزیلی پاری سن ژرمن درباره پیوستن هازارد به این تیم، گفت: با آغوش باز منتظر این بازیکن است تا از چلسی جدا شده و به پاری سن ژرمن بپیوندد.

سیلوا در گفت و گو با اکسپ فرانسه درباره ادن هازارد، گفت: ادن بازیکنی است که او را ستایش می‌کنم. از لحاظ تکنیکی و تاکتیکی او در صدر بسیار بالایی قرار دارد و باشگاه پاری سن ژرمن نیز باشگاهی است که جایگاه بازیکنان بزرگ است. در پی اس جی ما بازیکنانی را نیاز داریم مانند هازارد که بتوانیم به پروژه مهم خودمان که کسب لیگ قهرمانان اروپا در سه،

اصلاًش در این فصل، گفت: این فصل با مشکل مصدومیت روبرو بودیم و چند بازیکن ما به همین خاطر اکنون در کنار ما نیستند، اما مشکلی نیست و شکایتی از این بابت ندارم. باید در طول فصل از بازیکنان اصلی خود مثل مارکو رویس مواظبت کنم، می‌دانم که در بازی‌های مهم پیش‌رو چه در لیگ و چه در لیگ قهرمانان اروپا به آنها نیاز دارم. فشرده‌گی بازی‌ها باعث شده است تا چند بازیکن اصلی تیم ما اکنون در کنار ما نباشند. امیدوارم که بازیکنان ما دیگر به مصدومیت دچار نشوند.

بوروسیا دورتموند که در جام حذفی باید با اینترراخت فرانکفورت دیدار کند، یکی از تیم‌های حاضر در جمع شانزده تیم برتر لیگ قهرمانان اروپا است و باید در مرحله یک هشتم نهایی این رقابت‌ها با زینت سن پترزبورگ روسیه دیدار کند.

کلوپ:

هدفمان قهرمانی در جام حذفی است

سرمربی دورتموند با ناراحتی از وضعیت مصدومیت بازیکنانش می‌گوید هدف اصلی آنها در این فصل قهرمانی در جام حذفی است.

بوروسیا دورتموند در مرحله یک چهارم نهایی جام حذفی آلمان برابر اینترراخت فرانکفورت دیدار خواهد کرد.

یورگن کلوپ، سرمربی بوروسیا دورتموند درباره دیدار تیش برابر فرانکفورت در جام حذفی، گفت: هدف اصلی ما در رقابت‌های جام حذفی کسب عنوان قهرمانی است. می‌دانیم که فرانکفورت فوتبال خوبی را به نمایش می‌گذارد و در نیم فصل نخست از تیم‌های خوب آلمان بود. فکر می‌کنم که آنها در حال حاضر از قدرت زیادی بهره‌مند هستند و ما دیدار سختی را برابر آنها خواهیم داشت. دیداری که برای ما نوعی فینال محسوب می‌شود، زیرا هدف اصلی ما قهرمانی در رقابت‌های جام حذفی است.

مصدومیت چند بازیکن دورتموند در این فصل باعث افت زردپوشان آلمانی شده است. مصدومیت بازیکنانی مثل متس هوملس، نون سبوتیچ، ایکای گوندوگان و یاکوب بلازکوفسکی از جمله این بازیکنان بوده است.

سرمربی آلمانی درباره مصدومیت بازیکنان





چند نکته از کتاب خط مشی عبدالقیوم کرزی در عرصه‌ی انکشاف اقتصادی

پالیسی اقتصادی تیم انتخاباتی عبدالقیوم کرزی برای پنج سال آینده‌ی افغانستان، بر اساس همکاری جدی و دقیق بین حکومت و سکتور خصوصی طرح شده است که به نام اقتصاد رهنمایی شده‌ی بازار آزاد نامیده می‌شود. این پالیسی اقتصادی که زمینه ایجاد کار برای میلیون‌ها تن فراهم می‌کند، قرار ذیل است:

- ۱- تولید برق از منابع داخلی؛ چون: آب، ذغال سنگ، گاز و آفتاب.
- ۲- انکشاف و توسعه‌ی زراعت از طریق توزیع زمین‌های دولتی به دهقانان، آبرسانی به زمین‌های لامزروع، فراهم کردن زمین‌های قرضه‌های حسنه‌ی طویل‌المدت برای خریداری تخم اصلاح شده‌ی زراعتی، دواهای ضد آفات و پمپ‌های سولر به دهقانان.
- ۳- ساختمان خطوط آهن و اعمار مجدد و توسعه‌ی شاهراه‌ها.
- ۴- استخراج معادن از طریق سرمایه‌گذاری‌های داخلی و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ خارجی.
- ۵- توسعه‌ی متوازن خانه‌سازی.

عبدالقیوم کرزی

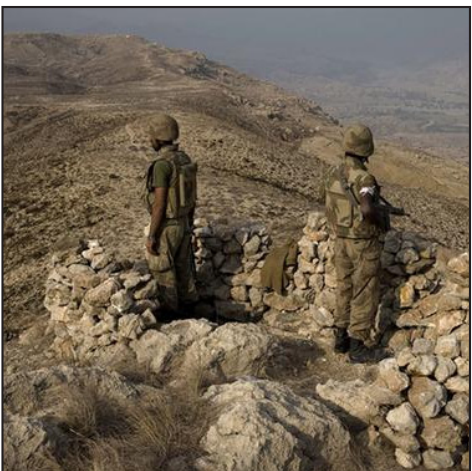
ستاد انتخاباتی عبدالقیوم کرزی



اصلاح تداوم و اصلاح

تاکتیزه شمېره
تاکتیزه نېشه
شماره انتخاباتی
نشان انتخاباتی

کمیسیون مشترک مرزی میان پاکستان و افغانستان فعال می‌شود



وزارت خارجه پاکستان اعلام کرد: پاکستان و افغانستان برای فعال‌سازی کمیسیون مشترک مرزی به منظور مدیریت هماهنگی‌های مرزی و جلوگیری از تردد غیرقانونی افراد در امتداد خط مرزی دو کشور به توافق رسیدند.

بر بنیاد خبرنامه وزارت خارجه پاکستان که روز گذشته منتشر شد، معاون ارشد وزیر داخله افغانستان و قائم مقام وزارت داخله پاکستان ریاست کمیسیون مشترک مرزی دو کشور را به عهده خواهند داشت.

در بیانیه با اشاره به دیدار روز گذشته میان شاهد خان قائم مقام وزارت داخله پاکستان و جنرال ایوب سالنگی معاون وزیر داخله افغانستان در کابل؛ آمده است: در طول این نشست، دو طرف مسایل مهم مدیریت مرزی، همکاری نزدیک به منظور ارایه تسهیلات در صدور روادید برای شهروندان پاکستان و افغانستان و همچنین استرداد زندانیان دو کشور توافقاتی کردند.

رسانه‌های پاکستانی به نقل از منابع رسمی و دیپلماتیک گزارش دادند: مقام‌های ارشد وزارت‌های داخله پاکستان و افغانستان درباره وضعیت امنیتی انتخابات آینده ریاست جمهوری و شوراها و ولایتی افغانستان در حمل ۹۳ نیز گفت‌وگو کردند.

پیش‌تر محمد نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان در دیدار با حامد کرزی رییس‌جمهوری افغانستان در کابل؛ نسبت به همکاری و کمک دولت اسلام آباد جهت برگزاری مسالمت‌آمیز انتخابات در افغانستان اطمینان داد.

شاهد خان قائم مقام وزارت داخله پاکستان همچنین با عمر داوودزی وزیر داخله افغانستان دیدار و به او اطمینان داد که وزارت داخله این کشور به‌طور جدی با وزارت داخله پاکستان درخصوص اجرای توافقات صورت گرفته در دیدار مقام‌های دو کشور همکاری می‌کند.

آگاهان سیاسی:

طالبان نمی‌توانند مانع حضور مردم در انتخابات شوند



ناجیه نوری

اگر مردم انگیزه و علاقه برای رفتن به پای صندوق‌های رای داشته باشند، حملات طالبان نمی‌تواند مانع حضور آنان در انتخابات شود.

شماری از آگاهان سیاسی با بیان این مطلب می‌گویند، شکی نیست که طالبان در صدد برهم زدن امنیت انتخابات هستند؛ اما اگر حکومت با داشتن اراده برای برگزاری یک انتخابات سالم امنیت را تأمین کند و نامزدان هم با ارایه برنامه‌های خوب می‌توانند مردم را برای رفتن به پای صندوق‌های رای تشویق کنند.

فرهاد عظیمی عضو مجلس نماینده‌گان می‌گوید، اگر مردم انگیزه و علاقه برای رفتن به پای صندوق‌های رای داشته باشند، حملات طالبان نمی‌تواند مانع حضور آنان در انتخابات شود.

او افزود، نامزدان باید مردم را با ارایه برنامه‌هایشان برای سهم‌گیری در انتخابات انگیزه داده و تشویق نمایند.

وی تأکید کرد، هرچند نگرانی‌هایی در میان مردم وجود دارد که مبادا با فرا رسیدن زمان برگزاری انتخابات چالش‌های امنیتی افزایش یابد؛ اما وظیفه دولت و به خصوص نیروهای امنیتی است که برنامه‌های منظمی را برای تأمین امنیت انتخابات روی دست گیرند.

این عضو مجلس افزود، در این شکی نیست که طالبان در صدد برهم زدن امنیت انتخابات هستند؛ اما اگر حکومت افغانستان اراده‌ی برای برگزاری یک انتخابات سالم داشته باشد، به کمک نیروهای بین‌المللی می‌تواند امنیت انتخابات را تأمین کند تا مردم با خیال آسوده به پای صندوق‌های رای بروند.

عظیمی همچنان گفت، نگرانی امنیتی در انتخابات گذشته نیز وجود داشت و این نگرانی‌ها در انتخابات پیش‌رو هم با برجا است؛ اما اراده حکومت برای تأمین امنیت روز انتخابات بسیار مهم است و می‌تواند در برگزاری یک انتخابات شفاف بسیار موثر باشد.

در این حال، عزیز رفیعی رییس مجتمع جامعه مدنی افغانستان می‌گوید، اگر مدیریت درست در نظام انتخاباتی ایجاد شود...